

## استالین

# جنگ سرد برای نابودی واقعیت های استالین و دوران او

نویسنده "گرور فور"  
برگردان فارسی: د. جلیلی (راه توسعه)

کوتاه سخنی از مترجم:

«استالین» تبه کار "یا استالین" کبیر، رهبر پروتاریا؟ استالین "میراث دار لنین" یا "خائن به میراث لنین"؟ استالین "دیکتاتور" یا استالین "یاور خلق ها"؟ و صد ها از این دوگانه های سلبی و ایجابی در اطراف شخصیت استالین به پرسش های جهانی اذهان متفکران تبدیل شده است. پاسخ به این دوگانه ها و صد ها سؤال مختلف و متفاوتی که در این رابطه وجود دارد کار یک یا دو یا حتی ده ها نفر نیست. حق مطلب را در این رابطه تنها می توان در طول تاریخ و از میان تحقیق و تفحص های طولانی در اسناد و تاریخ ادا کرد. راه یافتن به حقیقت تاریخی استالین از جنبه های بسیار متفاوتی دارای اهمیت فراوان است. اهم این موارد به زعم بر گرداننده این مقاله به شرح زیر است.

۱- شناخت واقعی استالین، لاجرم با شناخت زوایای پنهانی از تاریخ شوروی قرین خواهد شد که می تواند به بازگشایی افق های جدیدی در نقد سلبی و ایجابی جمهوری شوروی بیانجامد.

۲- تحقیق در رفتارهای استالین و دریافت شرایط ویژه زیست او و همراه او اتحاد جماهیر شوروی و تاریخ عملکرد حزب کمونیست شوروی و رهبری آن حزب می تواند به سنجش دوباره ای از تاریخ تاکتیک ها و سیاست های عمال شده، تند روی ها و غفلت ها منجر گردد.

۳- استالین شاخص یک **دوران تاریخی** بسیار مهم در سرنوشت بشریت است. شناخت دقیق، علمی و متکی به فاکت های آن زمان می تواند به راز گشایی از یک دوره تاریخی عملکرد انسان های پیشگامی که بر بستر آلوده تاریخی سرمایه داری، در تلاش بنای نوینی از ارزش ها، ارتباطات و کنش های انسانی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی بوده اند ختم شود.

با توجه به این موارد مهمی که بر شمرده شد، مقاله پرفسور "**گرور فور**" گامی در این راستا تشخیص داده شد و لذا به برگردان آن اقدام گردید. برگرداننده لازم می داند اعلام نماید که خود در این باره به داوری متقنی دست نیافته است ولی بعنوان جوینده ای در راستای کشف حقیقت دورانی از تاریخ اتحاد شوروی و شخصیت های محوری آن می کوشد.

در پایان امید است این مقاله با حسن استقبال جویندگان حقیقت مواجه و هر کس در حد بضاعت خود به روشنی موضوع بکوشد. یاری شما بیش از هر کس، بر گرداننده را یاور خواهد بود تا آستانه کشف حقیقت. حقیقتی که زیر خروارها حب و بغض موافقان و مخالفان و در تاریکنای تاریخ معاصر ما غبار گرفته و از نظرها پنهان مانده است.

استالین **رازی** است که با گشوده شدنش می توان رازهای پنهان تلاش خلق های بسیاری را در ساختمان جامعه ای نوین آشکار گرداند.»

مبارزه استالین برای اصلاح دموکراتیک در اتحاد جماهیر شوروی:

۱- این مقاله خلاصه ای از تلاش جوزف استالین برای دموکراتیزه کردن دولت اتحاد جماهیر شوروی از دهه ۳۰ تا هنگام مرگ او را نشان می دهد.

۲- این اظهارات و این مقاله عده ای را متحیر و تعدادی را عصبی خواهد کرد. در حقیقت حیرت خود من نیز از نتیجه تحقیقاتی که گزارش آن را بیان می‌کنم، مرا به نوشتن این گفتار وادار نمود. من مدت طولانی گمان می‌کردم که نسخه **جنگ سرد** از تاریخ اتحاد جماهیرشوروی دارای خدشه‌ی جدی است. با این حال هنوز هم برای (رد) دروغ گسترده‌ای که مدت‌های مدید حقیقت می‌پنداشتم آماده نشده بودم.

۳- داستان استالین، در روسیه که احترام و حتی ستایش استالین امری عادی است به خوبی معروف است. یوری ژوکف تاریخ نویس توانای روس، پارادایم «استالین دموکرات» را مطرح می‌کند و کارهای او مهمترین ماخذ بر گزیده - گرچه نه تنها منبع منحصر بفرد- این مقاله است. ژوکف از شخصیت‌های برجسته عضو آکادمی علوم است. کارهای او وسیعاً خوانده می‌شوند.

۴- نه تنها این داستان و حقایقی که آن را اثبات می‌کند در خارج از روسیه واقعا ناشناخته هستند، بلکه پارادایم "استالین تبه کار" ساخته جنگ سرد، آثار منتشرشده از منابع مورد استناد این مقاله را چنان کنترل می‌کند که حتی تاکنون هم به دشواری (درافکار عمومی) مطرح شده اند. بنا بر این بسیاری از منابع ثانوی به کار گرفته شده در این مقاله، همانند منابع اولیه فقط و فقط در روسیه قابل دسترس هستند.

۵- این مقاله در پی آگاه کردن خواننده از حقایق جدید و تفسیر جدیدی از تاریخ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیست. این گفتار ترجیحا تلاشی است برای آگاه کردن خوانندگان غیرروس از نتایجی که از تحقیقات و جستجو در بایگانی‌های شوروی و بایگانی خود استالین در زمان استالین بدست آمده است. حقایقی که اینجا از آن‌ها گفتگو می‌شوند با زنجیره‌ای از پارادایم تاریخ شوروی تطبیق می‌کنند که به نوبه خود به اثبات تعدادی از تفسیرهای دیگر می‌پردازند. این حقایق در حقیقت برای کسانی کاملاً باورناپذیر و عصبانی‌کننده خواهد بود که جان مایه سیاسی و تاریخی خود را بر داده‌های مغلوط و تحریک‌کننده ایدئولوژیک "جنگ سرد" "توتالیتاریسم" ملت‌های اتحاد جماهیر شوروی و "ترور" استالینیست‌ها بنا کرده اند.

۶- تفسیر خروشچفی استالین به مثابه دیکتاتوری حریص قدرت و خائن به میراث لنین برای تامین نیاز نومن کلاتورهای (طبقه جدید) حزب کمونیست در دهه ۱۹۵۰ ساخته و پرداخته شده بود. اما این تفسیر شباهت‌های نزدیکی را با ارثیه جنگ سرد از استالین نشان می‌دهد و در بسیاری از فرضیات خود، با گفتار متعارف در باره ارثیه جنگ سرد از استالین شریک می‌شود. این گفتار در خدمت امیال سران سرمایه‌داری بود تا با توسل به آن استدلال کنند که مبارزه کمونیست‌ها یا در واقع هر مبارزه‌ای که برای قدرت طبقه کارگر انجام می‌گیرد الزاما به برخی از انواع وحشت منجر می‌گردد.

۷- این تفسیر، عرضحال نیاز تروتسکیست‌ها نیز هست تا استدلال کنند که شکست تروتسکی، این "انقلابی راستین" تنها به دست دیکتاتوری می‌توانست عملی گردد که به هتک حرمت تمام قوانینی که انقلاب برای آن‌ها می‌جنگید متهم باشد. پارادایم خروشچفیست‌ها، ضد کمونیست‌های جنگ سرد و تروتسکیست‌ها از تاریخ اتحاد جماهیر شوروی بنا به تبعیت‌شان از تصویرسازی مجازی از استالین، رهبری او و اتحاد شوروی دوران او کاملاً شبیه یکدیگر است.

۸- چشم انداز اجمالی استالین در این گفتار با تعدادی از پارادایم‌های تاریخی متناقض همخوان است. ضد رویونیست‌ها و کمونیست‌های مائوئیست متاخر در توضیح‌شان از تاریخ شوروی، استالین را فردی خلاق و منطقی، اگر چه در برخی رابطه‌ها دارای خدشه، جانشین میراث لنین می‌دانند. بسیاری از ناسیونالیست‌های روس، اگرچه به سختی دست آوردهای استالین را بعنوان کمونیست تایید می‌کنند، اما به استالین بعنوان شخصیتی بسیار مسئول در بنیانگذاری روسیه بعنوان قدرت عمده صنعتی و نظامی جهانی احترام قائلند.

استالین برای هر دو این گروه ها هر چند در شیوه های بسیار متفاوت شخصیتی بنیادی است.

۹- این گفتار در پی "اعاده حیثیت" استالین نیست. من با یوری ژوکف موافقم آن جا که می نویسد:

«می توانم شرافتمندانه اعلام کنم که مخالف اعاده حیثیت استالینم، چون با اعاده حیثیت در کل مخالفم. هیچ کس و هیچ چیز در تاریخ نباید مورد اعاده حیثیت قرار گیرد - اما باید حقیقت را آشکار کنیم و به راستی سخن بگوئیم. - هر چند، از دوران خروشچف تنها قربانیان سر کوب استالینی که شما درباره آن ها شنیده اید، کسانی هستند که یا خود در آن ها شرکت داشتند یا کسانی که آن ها را یاری دادند یا کسانی که از مخالفت با آنها خودداری کردند.»

من هرگز مایل نیستم اظهار کنم که اگر صرفا استالین راه خودش را رفته بود، مسائل متعدد ساختمان سوسیالیسم یا کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی می توانستند حل شوند.

۱۰- در دورانی که مطمح نظر این گفتار است، استالین نه تنها برای ترقی دموکراسی در طرزحکومت دولت، بلکه برای تسریع دموکراسی درون حزبی نیز نگران بود. این مهم و موضوعات مربوطه نیازمند مطالعات جداگانه ای است، و این گفتار به طور محوری آن را نشان نمی دهد. اگرچه مفهوم دموکراسی، مفهومی استنباطی است، اما می تواند در متن حزب دموکراتیک - سانترالیست مبتنی بر اعضا داوطلب نسبت به جامعه گسترده ی شهروندانی که هیچ بنیان سیاسی پذیرفته شده ای نمی تواند بر آنها حاکم باشد معانی متفاوتی داشته باشد.

۱۱- این گفتار هر جا که امکان داشته بر منابع اولیه متکی است. اما بر کار آکادمیک تاریخ دانان روسی که به آرشیو منتشر نشده و یا اخیرا منتشر شده اتحاد شوروی دسترسی داشته اند بسیار زیاد تکیه می کند. خیلی از مدارک بسیار حائز اهمیت شوروی فقط برای پژوهندگانی که از امتیاز خاصی برخوردارند قابل دسترس است. اسناد بسیار زیاد دیگری از جمله بایگانی شخصی استالین، موارد محاکمات و تحقیقات دادگاه ها در مسکو بین سال های ۱۹۳۶-۱۹۳۸ و مفاد بازجویی های پاکسازی ارتش از هواداران «توخاچفسکی» در ۱۹۳۷ و بسیاری اسناد دیگر هم کاملا سری و طبقه بندی شده مانده اند.

۱۲- یوری ژوکف موقعیت بایگانی را چنین شرح می دهد

«با آغاز پروستریکا یکی از شعارهای آن گلاسنوست بود... از آرشیو کرملین که قبلا به روی محققین بسته بود رفع ممنوعیت شد. جایجایی دارایی (این آرشیو به بایگانی های مختلف عمومی) آغاز شد. این روند آغاز شد اما کامل نشد. بسیاری از اسناد مهم و محوری مجددا در ۱۹۹۶ بدون هیچ توضیح و شرحی، طبقه بندی و در بایگانی رئیس جمهور فراسیون روسیه مخفی گردید. علت این عملیات پنهان کارانه خیلی زود روشن شد. این اسناد احیانا یکی از دو افسانه قدیمی و بسیار نخ نما را مجاز می کرد. منظور ژوکف از این دو افسانه «استالین تبه کار» و «استالین رهبر کبیر» است. برای خوانندگان و تاریخ نویسان ضد کمونیست غرب تنها افسانه اول آشناست. اما امروز در روسیه و کشورهای مستقل مشترک المنافع هر دو این مکتب ها هواداران خوبی پیدا کرده است.

۱۳- یکی از کتاب های ژوکف و پایه بسیاری از مطالب این گفتار «اینوی استالین» یا استالین متفاوت نام دارد. «استالین متفاوت» یعنی هم "متفاوت" از افسانه و هم نزدیکتر به حقیقت، بر مبنای اسنادی که اخیرا از طبقه بندی خارج شده اند. آشکار سازی او تصویری از استالین را اثبات می کند و این تصویر را با تصویر منفی ساخته مخالفین او در رو قرار می دهد. ژوکف به ندرت از منابع دست دوم استفاده می کند. در قسمت بسیاری او به مواد آرشیوی منتشر نشده یا اسناد آرشیوی که تنها به تازگی از طبقه بندی خارج و منتشر شده اند استناد می کند.

۱۴- ژوکف مقدمه خود را با این جملات به پایان می برد:

من ادعای قطعیت یا بی چون و چرایی ندارم. من تنها در اجرای یک وظیفه تلاش کردم: احتراز از دو پیش دآوری، دو افسانه. سعی در باز سازی گذشته، یکبار به خوبی شناخته شده، اما اکنون عمدا فراموش شده، عمدا غیر قابل ذکر و مورد تجاهل همه.

به پیروی از ژوکف این گفتار نیز در جهت شفافیت هر دو افسانه می کوشد.

۱۵- تحت چنین شرایطی کلیه نتیجه گیری ها می بایست مقدماتی باقی بماند. من در استفاده از مصالح خردمندانه خواه عمده، خواه کمکی تلاش کرده ام. برای احتراز از گسیختگی متن، ارجاعات متن را در پایان هر پاراگراف آورده ام. من روش سنتی پانویشت های شماره گذاری شده را هر جا که به توضیح طولانی تری نیاز بوده است به کار گرفته ام.

۱۶- پژوهشی که این گفتار خلاصه می کند برای کسانی از ما که علاقمند پیش برد تحلیل طبقاتی تاریخ از جمله تاریخ اتحاد شوروی هستیم پی آمد مهمی دارد.

۱۷- جی. آرچ گتی، یکی از بهترین پژوهندگان امریکایی دوران استالین در اتحاد شوروی سوسیالیستی تحقیقات تاریخی انجام شده در دوران جنگ سرد را "محصولات تبلیغات" نامیده است. - "پژوهشی" که هیچ حس انتقادی بر نمی انگیزد یا به سهم خود در اصلاحی نمی کوشد، پژوهشی است که یکبار دیگر باید به تمامی از ابتدا انجام گیرد. - من با گتی موافقم، اما اضافه می کنم که این "پژوهش" جانبدارانه، از نظر سیاسی حمایت شده و متقلبانه هنوز هر روزه تولید می گردد.

۱۸- پارادایم خروشچف - جنگ سرد، چشم انداز غالب تاریخ «سال های استالین» شده است. پژوهشی که در اینجا گزارش می شود می تواند در حرکت به سوی یک «پاک سازی زمین»، یک «آغازی کاملاً نو از آغاز» سهیم باشد. حقیقتی که سر انجام پدیدار می شود، برای پیشنهاد مارکسیستی درک جهان برای تغییر آن، ساختمان جامعه بی طبقه و عدالت اقتصادی معنای عظیمی خواهد داشت.

۱۹- در بخش نهایی گفتار، با تکیه بر نتایج این مقاله برخی زمینه های اجمالی را برای پژوهش بیشتر پیشنهاد کرده ام.

## قانون اساسی جدید

۲۰- کنگره فوق العاده هشتم اتحاد شوروی در دسامبر سال ۱۹۳۶ پیش نویس قانون اساسی جدید شوروی را تصویب کرد. کنگره برای انتخابات مخفی و رقابتی فراخوان داد. (ژوکف، اینوی ص ۳۰۷-۹)

۲۱- نامزد ها نه تنها از حزب بلشویک - تمام احزاب کمونیست اتحادیه، بلشویک خوانده می شدند - بلکه از سایر گروه های شهروندان نیز بنا به محل اقامت، وابستگی (مثل گروه های مذهبی) یا سازمان های محل کار اجازه شرکت در انتخابات را یافتند. این بند نهایی هرگز به اجرا در نیامد و انتخابات رقابتی هرگز بر گزار نشد.

۲۲- جنبه دموکراتیک قانون اساسی در اظهارات صریح جوزف استالین درج شده بود. استالین همراه حامیان نزدیکش در هیات سیاسی حزب بلشویک به صورت سرسختانه برای حفظ این بندها مبارزه می کردند. (شرح گتی) استالین و حامیانش تنها زمانی که با امتناع کامل کمیته مرکزی حزب و با وحشت فراگیرناشی از کشف توطئه ای جدی در ائتلاف با فاشیسم ژاپن و آلمان برای سرنگونی دولت شوروی مواجه شدند تسلیم شدند.

۲۳- در ژانویه ۱۹۳۵ هیئت سیاسی تدارک طرح اجمالی قانون اساسی جدید را به عهده «آول ینوکیدزه» (۶) محول کرد. او پس از چند ماه طرح را با پیشنهاد انتخاباتی روباز و غیر رقابتی باز گرداند. تقریباً بلافاصله در ۲۵ ژانویه ۱۹۳۵ استالین عدم موافقت خود را با پیشنهادات ینوکیدزه اعلام و بر انتخابات مخفی اصرار کرد. (ژوکف، پیشین ۱۱۶-۲۱)

۲۴- استالین مخالفت آشکار خود را با هیجان در مارس ۱۹۳۶ در مصاحبه با روزنامه نگار آمریکایی "روی هوارد" به نمایش عام گذارد. استالین در این مصاحبه اظهار داشت که قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی تضمین می کند که همه انتخابات ها با اخذ رای مخفی انجام گیرد. رای گیری باید برپایه برابر استوار باشد و رای یک روستایی در پایگاه های منطقه ای و روستایی نه تنها مثل کشورهای غربی، بلکه فراتر از آن بعنوان محل اشتغال و به صورت مستقیم باید همانند رای یک کارگر شاغل ارضی شمرده شود، تمام مقامات شوروی می بایست مستقیماً توسط خود شهروندان و به طور مستقیم و نه از طریق نمایندگی انتخاب شوند. ( استالین - مصاحبه با هوارد . ژوکف )

استالین: "ما شاید بتوانیم در پایان سال قانون اساسی جدید خود را به تصویب برسانیم . کمیسیون مامور تنظیم قانون اساسی مشغول به کارند و باید به زودی به کار خود خاتمه دهند. همچنان که قبلاً اعلام شده است بر اساس قانون اساسی جدید، حق رای عمومی، برابر حقوق، مستقیم و مخفی خواهد بود." (استالین مصاحبه با هوارد ۱۳)

۲۵- مهمترین نکته ای که استالین ابراز داشت رقابتی بودن تمام انتخابات بود. "شما از این واقعیت که تنها یک حزب در انتخابات پیش رانده خواهد شد گیج شده اید. شما نمی توانید چگونگی برگزاری انتخابات رقابتی در چنین شرایطی را تصور کنید. از قرار معلوم نمایندگان نه تنها از حزب کمونیست بلکه از طرف خلق و سازمان های اجتماعی غیر حزبی نیز مطرح خواهند شد و ما صد ها از این نمایندگان خواهیم داشت. ما هیچ حزب مخالفی غیر از طبقه سرمایه داری که طبقه کارگر را استثمار می کند نداریم . جامعه ما مرکب از زحمتکشان شهر و روستا - کارگران، دهقانان، روشنفکران است . هر یک از این لایه ها ممکن است علایق خاص خودشان را داشته باشند که آن ها را از طریق ابزار بی شمار سازمان های خلقی موجود ابراز می کنند."

۲۶- استالین همچنین اهمیت انتخابات رقابتی در مبارزه با بوروکراسی را خاطر نشان کرد. استالین: گمان می کنید که هیچ انتخابات رقابتی وجود نخواهد داشت. اما انتخابات رقابتی وجود خواهد داشت و من کارزار انتخاباتی با نشاطی را پیش بینی می کنم. نهاد های اندکی در کشور ما نیستند که بد کار می کنند. این موارد زمانی روشن می شوند که بدنه این یا آن دولت محلی در تامین نیاز مندی های رشد یابنده زحمتکشان شهر و روستا با شکست مواجه می گردند. آیا مدرسه خوبی ساخته اید یا نه؟ آیا شرایط مسکن را بهبود داده اید؟ آیا بوروکرات هستید؟ آیا به اثر بخشی نیروی کارما و افزایش سطح فرهنگی زندگی ما کمک کرده اید؟ چنین معیارهایی با میلیون ها رای دهنده، شایستگی نامزدها را اندازه گیری خواهد کرد، نامناسب ها را رد خواهد کرد و اسامی آن ها را از لیست نامزدها خط خواهد زد و بهترین ها را ترویج و معرفی خواهد کرد. آری، کارزار انتخاباتی با نشاط خواهد بود. این کارزارها حول بیشمار مسائل بسیار بحرانی، مبتنی بر طبیعت عمل، و دارای اهمیت درجه اول برای مردم هدایت خواهد شد. سیستم جدید انتخابات ما، نهاد ها و سازمان های ما را استحکام بخشیده و آن ها را وادار خواهد کرد که کارهای خود را بهبود بخشند. حق رای عمومی، برابر، مستقیم و مخفی در اتحاد جماهیر شوروی تازیانیه ای در دست مردم در برابر نهادهای دولتی خواهد بود که بد عمل می کنند. به نظر من قانون اساسی شوروی جدید ما دموکراتیک ترین قانون اساسی در جهان خواهد بود. (۱۵)

۲۷- از این منظر، استالین ، ویچسلاو مولوتف و اندری ژدانوف نزدیک ترین یاران او در هیت سیاسی، در تمام بحث های رهبری حزب، از انتخابات رقابتی دفاع می کردند. (ژوکف، آینوی ۱۰-۲۰۷ مصاحبه استالین - هوارد)

۲۸- استالین همچنین تصریح کرد که بسیاری از شهروندان شوروی که از حق رای محروم شده بودند آن را بدست خواهند آورد. این محرومین از جمله اعضای سابق طبقات استثمارگر مثل اربابان سابق و کسانی را که در جریان جنگ مدنی معروف به "گارد های سفید" در

فاصله سال های ۱۹۱۸-۱۹۲۱ علیه بلشویک ها جنگیده بودند و نیز کلیه محکومین به اعدام به دلیل جنایت مشخص (مثل امریکای امروز) را شامل می شد. مهم ترین و شاید پر تعداد ترین افراد در بین این محرومین، دو گروه، کولاک ها، اصلی ترین آماج حرکت اشتراکی کردن سال های قبل و مخالفین قانون سه گوش - درباره دزدان اموال عمومی، اغلب حبوبات، که بسیاری از مواقع حقیقتاً مانع از قحطی می گردید- ۱۹۳۲ بودند. (ژوکف، آینوی)

۲۹- این اصلاحات انتخاباتی بدون تمایل رهبری استالین برای تغییر دادن در روشی که اتحاد شوروی با آن اداره شده بود غیر ضروری بوده اند.

۳۰- اتحاد شوروی در دوران انقلاب روسیه و سال های بحرانی متعاقب آن، به صورت قانونی توسط سلسله مراتب انتخابی شوراها از سطح محلی تا ملی، با شورای عالی شوروی بعنوان دستگاه مقننه، شورای کمیساریای خلق بعنوان قوه مجریه، و صدر شورای عالی بعنوان رئیس دولت اداره شده بود. اما در حقیقت، در خیلی از سطوح انتخاب این مقامات اغلب در اختیار حزب بلشویک بود. انتخابات بر گزار می شد، اما انتخاب توسط رهبران حزبی، که انتصاب خوانده می شود هم رایج بود. حتی انتخابات توسط حزب کنترل می شد تا مبادا کسی بدون موافقت حزب به مقامی دسترسی نیابد.

۳۱- این رفتار برای بلشویک ها، حس مشترکی ایجاد کرده بود. این امر شکل اعمال دیکتاتوری پرولتاریا در شرایط تاریخی مشخص انقلابی و پس از انقلابی اتحاد شوروی بود. تحت شرایط جدید (سازماندهی) نیروی کار و مهارت های سابق و جاری سیاست اقتصادی" یا "نپ" استثمارگران مورد نیاز بودند. اما آن ها باید صرفاً در خدمت دیکتاتوری طبقه کارگر، برای سوسیالیسم به کار برده می شدند. آن ها نه مجاز بودند روابط سرمایه داری را بیش از حد معینی بازسازی کنند و نه مجاز بودند به قدرت سیاسی دست یابند.

۳۲- حزب بلشویک در طی سال های دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ به شدت از میان طبقه کارگر عضو گیری کرد. در پایان دهه ۲۰ اکثر اعضای حزب **کارگر** بودند و درصد بالایی از کارگران در حزب بودند. این عضو گیری کلان و تلاش های گسترده در عرصه آموزش سیاسی، هم زمان بعنوان تحول چشمگیر در اولین برنامه پنج ساله تسریع صنعتی شدن و تا حدی به اجبار اشتراکی کردن مزارع خصوصی در تعاونی (کالخوز) یا مزارع شوروی (ساوخوز) نمودار گردید. رهبری بلشویکی هم در تلاش خود برای "پرولتریزه کردن" حزبشان مخلص بودند و هم در نتایج حاصله موفق.

۳۳- استالین و حامیان او در هیئت سیاسی دلایل زیادی برای دموکراتیزه کردن اتحاد شوروی ارائه دادند. این دلایل باور رهبری استالین را بر این که باید به دولت جدید سوسیالیستی رسید بازتاب می داد.

۳۴- بسیاری از روستائیان در مزارع اشتراکی متشکل بودند. با کمتر شدن ماهانه مزارع خصوصی روستائیان، رهبری استالین اعتقاد داشت که روستائیان دیگر عملاً طبقه اجتماعی - اقتصادی جداگانه ای را تشکیل نمی دهند. شباهت روستائیان به کارگران بیش از تفاوتشان با آن ها بود.

۳۵- استالین استدلال می کرد که با رشد سریع صنعت سوسیالیستی و بویژه با اعمال قدرت سیاسی طبقه کارگر از طریق حزب بلشویک، کلمه "پرولتاریا" دیگر دقیق نبود. به زعم استالین "پرولتاریا" به کارگران تحت استثمار سرمایه داران یا زحمتکشان تحت شرایط حاکمیت روابط تولید سرمایه داری، مثل ۱۲ سال اولیه دوران اتحاد شوروی به خصوص تحت شرایط "نپ" اطلاق می شود. اما اینک با منسوخ شدن استثمار مستقیم سرمایه داران از کارگران طبقه کارگر نباید پرولتاریا خوانده شود.

۳۶- بر اساس این نظر، استثمارگران کارگران دیگر موجود نیستند. کارگرانی که در حال حاضر توسط حزب بلشویک کشور را در جهت منافع خود، پیش می برند، دیگر شبیه

پرولتاریای کلاسیک نیستند ، بنا بر این " دیکتاتوری پرولتاریا " دیگر مفهوم رسایی نیست  
این شرایط جدید نوع جدیدی از دولت را طلب می کند. (ژوکف، آینوی، ۲۹۲، ۲۳۱، استالین  
"پیش نویس " ۱-۸۰۰)

راه توده ۱۳۶ ۱۸,۰۶,۲۰۰۷